



## بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ۲۴ هزار شهید تهران بزرگ - 11 / بهمن / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم ( 1 )

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد  
و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله فى الارضين.

خوشامد عرض میکنم به هم‌ه‌ی برادران و خواهران عزیز. تبریک عرض میکنم ولادت مولای متقیان ( علیه الصلّاة و السلام ) و ولادت حضرت جوادالائمّه ( علیه السّلام ) را، و تعظیم و تمجید میکنیم در برابر ارواح طیّبه‌ی شهیدان و خانواده‌های مکرم آنها، و همچنین تشکر میکنیم از دست‌اندرکاران این بزرگداشت و این یادبود بزرگ. بنده این نمایشگاهی را که اینجا دوستان ترتیب دادند، دیدم؛ کارهایی که انجام گرفته کارهای خوبی است و آن نکاتی هم که این برادر عزیزمان درباره‌ی تهران و درباره‌ی شهدای تهران و خانواده‌های شهدای تهران بیان کردند، مطالب کاملاً درست و متقنی است. بنده هم چند کلمه درباره‌ی تهران عرض میکنم، یک مطلب هم درباره‌ی شهیدان.

در مورد تهران، کمتر صحبت شده. درباره‌ی شهرهای مختلف کشور، به مناسبت‌های مختلف، بنده یا دیگران صحبت کرده‌ایم؛ درباره‌ی تهران، متأسفانه کم صحبت شده، در حالی که تهران را باید نماد بسیاری از خصوصیات ملت ایران دانست؛ واقعاً این جور است. از جمله‌ی خصوصیات که از ملت ایران در قضایای انقلاب و آنچه مربوط به انقلاب است آشکار شد، شجاعت ملت ایران، غیرت ملت ایران، دین‌داری ملت ایران، استقلال‌طلبی ملت ایران، دشمن‌ستیزی ملت ایران و غیر اینها است؛ به نظر من، نماد هم‌ه‌ی این خصوصیات تهران است؛ یعنی اگر بخواهیم این خصوصیات را در یک جمعی به طور مشخص و با سند مطالعه کنیم، تهران را باید مطالعه کنیم؛ هم‌ه‌ی این خصوصیات در اینجا جمع است.

حالا حوادث مربوط به انقلاب یک فصل مُشبعی ( 2 ) است، من هم یک اشاره‌ای عرض خواهم کرد؛ لکن قبل از مسائل انقلاب و پیشامدهای انقلاب، حدّاقل در این 150 سال اخیر - قبلش هم همین جور است، لکن حالا من بیشتر قضایای همین یک قرن و نیم اخیر را عرض میکنم - وقتی مرور میکنیم این قضایا را، برجستگی مردم تهران را بروشنی می‌بینیم. مثلاً فرض بفرمایید قرارداد رویتر که مرحوم حاج ملا علی کنی تهرانی، جلودار مردم، جلوی این قرارداد خائنانه را گرفتند. یا قضیه‌ی تنباکو و قرارداد خائنانه‌ی رژی - آن هم یک قرارداد خائنانه‌ای بود - که در تهران، مرحوم میرزا محمدحسن آشتیانی، ملای بزرگ و درجه‌ی یک تهران، به پیروی از میرزای شیرازی و [فتوای] تحریم ایشان، غوغایی راه انداختند؛ کاری کردند که داخل خانواده‌ی شاه، کلقتها و نوکرها قلیانها را شکستند، تحت تأثیر فتوای [میرزای شیرازی]؛ یعنی حضور مردم تهران پشت سر علما این جور بود. یا بعد از آنها، مسئله‌ی مشروطیت؛ در قضیه‌ی مشروطیت، نقش مردم تهران غالباً گفته نمیشود؛ [تنها] همان قضیه‌ی پلوی سفارت و مانند اینها گفته میشود، در حالی که اینها مسائل بعدی بود؛ اصل مسئله، مطالبه‌ی عدالتخانه بود که مردم تهران در این مسجدجامع و جاهای دیگر جمع شدند، اجتماعات کردند و دنبال عدالتخانه بودند که زحمت هم کشیدند، مشقت هم کشیدند، کتک هم خوردند، لکن بعد بالاخره منتهی شد به مسئله‌ی مشروطیت. بعد هم آنجایی که مشروطیت داشت دچار انحراف میشد - که شد - قیام مرحوم شیخ فضل الله و مردم و رفتن در [حرم] حضرت عبدالعظیم و تحصن در آنجا و مانند اینها، همه کار مردم تهران بود. تا قرارداد ننگین و وثوق الدوله، تا نهضت ملی نفت در [سال] 1330 و تا پانزدهم خرداد و بعد از پانزدهم خرداد تا امروز، هر جا شما قضایای مهمی و مبارزات اساسی‌ای را در تاریخ ایران در این 150 سال تا امروز مشاهده میکنید، نمادش مردم تهرانند. یک جاهایی فقط تهران وارد شده است، یک جاهایی دیگران هم وارد شدند، [ولی] تهران پیشرو بوده است، پیشگام بوده است. اینها خیلی مهم است؛ شناسنامه‌ی یک شهر را این جور باید تنظیم کرد؛ کارنامه‌ی یک شهر را این جور باید فهمید و دید.



اغلب این قضایایی که عرض کردیم، مربوط به قبل از انقلاب اسلامی است. در قضایای انقلاب اسلامی، البته شهرهای مختلف نقش آفرینی‌های مهمی کردند - مثل قم، مثل تبریز، مثل اصفهان، مثل مشهد - لکن اولاً در همه‌ی این قضایا تهران جزو پیشگامان بود، بعد هم در آن نقطه‌ی تعیین‌کننده، یعنی سال ۵۷ که نهضت تبدیل شد به انقلاب، اینجا دیگر هرچه بود تهران بود و الهام‌بخش همه‌ی کشور مردم تهران بودند. در سال ۵۷، شما نماز عید [فطر] قیطره را در نظر بگیرید که با تدبیر مرحوم شهید بهشتی و مانند او، آن نماز عید راه افتاد - و شهید مفتاح امام جماعت این نماز بود - که انعکاسش در کشور انعکاس عظیمی بود؛ یعنی ما مشهد بودیم، قضایای تهران منعکس میشد و هر قضیه‌ای که منعکس میشد، یک غوغایی در مناطق گوناگون دیگر به وجود می‌آورد؛ پیشقدمی تهران این جوری بود. نماز عید فطر قیطره، حماسه‌ی هفدهم شهریور در میدان شهدا، راه‌پیمایی تاسوعا، راه‌پیمایی عاشورا؛ این راه‌پیمایی‌ها در جاهای دیگر هم انجام گرفت، اما این را از تهران هدایت میکردند؛ از تهران با خود ما در مشهد تماس گرفتند و گفتند که تاسوعا راه‌پیمایی است، عاشورا راه‌پیمایی است، آن وقت ما آنجا در مشهد آن سازمان‌دهی را ترتیب دادیم؛ [لذا] تهران پیشگام بود.

در همه‌ی این قضایا، در همان ۱۵۰ سال که گفتم و همچنین در قضایای سال ۵۷، جلوی جمعیت هم علمای دین بودند؛ از امثال حاج ملا علی کنی که اسم آوردیم و مرحوم میرزا محمدحسن آشتیانی و آشیخ فضل‌الله نوری و مانند اینها، تا شهید بهشتی و شهید باهنر و شهید مفتاح و شهید مطهری؛ علما جلو بودند و انبوه اقشار مختلف مردم - از همه جور - پشت سرشان در حال حرکت. حتی دانشگاه تهران؛ دانشگاه تهران محلّ تحصّن علما شد. ما رفتیم نشستیم بحث کردیم که کجا تحصّن بکنیم، چند جای مختلف گفته شد، یک نفر گفت دانشگاه تهران؛ همه تصدیق کردند، بلند شدیم آمدیم چند روز در دانشگاه تهران تحصّن کردیم، تا وقت آمدن امام (رضوان الله علیه)؛ یعنی دانشگاه در خدمت همین حرکت قرار گرفت، باز با مرکزیت علما و پیشگامی علمای دینی.

نکته‌ی مهم در اینجا این است که این کارها در تهران انجام گرفته، اما تهران کجا است؟ تهران چیست؟ تهران همان شهری است که بیشترین تلاش برای تغییر هویت ملی و اسلامی در آن انجام گرفته. در دوره‌ی پهلوی‌ها - البته قبل از پهلوی‌ها هم بود که من بعداً اشاره میکنم - سعی شد که تهران یک نسخه‌بدلی از شهرهای اروپایی بشود، البته منهای پیشرفته‌ها؛ از لحاظ رهاشدگی و لائالیگری جنسی بگیرید، تا افزایش روزبه‌روز فروشگاه‌های مشروبات الکلی، تا وضع پوشش و آرایش زن و مرد، تا کاباره‌ها و کافه‌های آن‌چنانی، تا مراکز جمعیتی فاسد و مفسدی مثل کاخ جوانان آن روز؛ اصلاً تهران مرکز یک چنین فعالیت‌هایی از سوی دستگاه‌ها بود. دستگاه‌ها این کار را با جدیت هدایت میکردند و دنبال میکردند که این کار انجام بگیرد و تهران را با این چیزها متمایز کنند؛ این تلاشی بود که در تهران انجام میگرفت و در هیچ شهر دیگری انجام نمیگرفت. حالا مثلاً در جشن هنر شیراز، یک کارهایی انجام گرفت، اما یک مقطعی بود؛ در تهران، مستمر! این کارها انجام میگرفت، اما آنچه آنها میخواستند نشد. آنها میخواستند هویت دینی را، هویت اسلامی را، هویت مذهبی را، هویت ملی را از تهران بگیرند و [آن را] تبدیل کنند به یک چنین نسخه‌ی معیوب یا رونوشت غلطی از شهرهای اروپایی، اما آنچه آنها میخواستند نشد.

چطور نشد؟ بله، مظاهر غلط غربی در یک جاهایی در تهران رواج پیدا کرد - ما از نزدیک دیده بودیم، وضع تهران را میدانستیم - اما متقابلاً کارهایی که در جهت فکر اسلامی و معنوی و مذهبی در تهران انجام گرفت، در هیچ شهری از شهرهای کشور انجام نگرفت؛ جریان فعال مذهبی روشن‌بین و روشنفکر و دارای حرف نو، در تهران بیش از همه جای کشور رواج پیدا کرد و پیشرفت پیدا کرد؛ مساجد آباد، روحانیت مبارز و روشنفکر، مجالس دینی پُرجمعیت - البته «پُرجمعیت» نسبت به آن روزها، نه نسبت به امروز که جمعیت ده‌ها برابر بیشتر از آن وقتها در مجالس اجتماع میکنند؛ اما نسبت به آن روزها، مجالس تهران جزو پُرجمعیت‌ترین مجالس بود؛ هم مجالس عزاداری‌اش، هم مجالس گوناگون مذهبی‌اش - گفتارهای مذهبی تحول‌آفرین در بخشهای مختلف تهران؛ اسلام سیاسی‌ای که



در سخنرانی‌ها و در مناظر گوناگون در تهران، در مساجد مختلف یا در هیئت‌های مذهبی مختلف ترویج میشد؛ نمودارهای مذهبی‌ای که برای جوانها جذاب بود؛ در هیئت‌هایی که در خانه‌ها تشکیل میشد - این [مطلبی] که عرض میکنم، اطلاعات نزدیک من است که به چشم خودم دیدم - در هیئت‌های مذهبی خانه‌به‌خانه، جوان دانشگاهی شرکت میکرد؛ از کلاسش میزد برای اینکه بتواند در این هیئت شرکت بکند. یک چنین وضعیتی در تهران وجود داشت که این، درست نقطه‌ی مقابل آن وضعیتی بود که دستگاه منحرف پهلوی‌ها میخواستند در ایران و بخصوص در تهران که پایتخت بود، به وجود بیاورند.

لذا سال ۵۷، تهران الهام‌بخش دیگر شهرها شد؛ هم در راه‌پیمایی‌ها، هم در تولید شعارها. این شعارهای هماهنگی که میدیدید در همه‌جای کشور پخش میشود، از تهران الهام داده میشد. این تکبیر روی پشت بام را تهرانی‌ها ابتکار کردند و به جاهای دیگر خبر دادند. بنده خودم در مشهد نشسته بودم، شب یکی از دوستان تهرانی که جزو مبارزین بود - خدا رحمتش کند - تلفن کرد گفت «بشنو»؛ تلفن را گرفت به سمت صدا، من دیدم صدای «الله اکبر» می‌آید؛ گفت [شما هم] «الله اکبر» بگویید، بنده هم با بچه‌هایمان - کوچک بودند - رفتیم بالای پشت بام و شروع کردیم «الله اکبر» گفتن. این چیزها از تهران منتشر میشد در همه‌ی اطراف کشور. بعد از شروع نهضت هم تا پیروزی انقلاب همین جور بود؛ از مسائل پانزدهم خرداد، هفدهم شهریور، فتنه‌ی منافقین در سی‌ام خرداد سال ۶۰، نماز جمععه‌های تکان‌دهنده‌ی تهران، تا حرکت‌های بسیجی، آن جمعیت صد هزار نفری ورزشگاه آزادی در سال 65 و اجتماعات گوناگون تا امروز، مردم تهران انصافاً سنگ تمام گذاشته‌اند. بنابراین، یادبود شهدای تهران باید همراه باشد با تدوین شناسنامه‌ی انقلابی تهران، مثل دیگر شهرها؛ یعنی این شناسنامه‌ی انقلابی تهران باید برای جوانها روشن بشود. اغلب شماها که اینجا هستید این حوادث را ندیده‌اید، ماها هم در تدوین این حوادث کم‌کاری داشتیم، خیلی‌ها از آنچه اتفاق افتاده خبر هم ندارند. اینها بایستی تبیین بشود. در کنار یادبود بلندقامتان شهید - که چهره‌های اینها مثل نور میدرخشد و روشن میکند زندگی را و دلها را - باید یاد تلاشها و فعالیت‌های عموم مردم هم تبیین بشود و بیان بشود. حالا این در مورد تهران.

یک کلمه در مورد شهیدان عرض بکنیم. درباره‌ی شهیدان، سخنان پرمغز و گهربار زیادی از ائمه‌ی هدی (علیهم السلام)، بعد هم از بزرگان، بزرگان انقلاب، امام بزرگوار و دیگران گفته شده؛ درباره‌ی شهیدان خیلی صحبت شده، [اما] در رأس همه، فرمایش قرآن کریم و پروردگار متعال درباره‌ی شهدا است که قابل مقایسه‌ی با هیچ بیان دیگری نیست. اینکه میفرماید «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»، «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ» [یعنی] خدا معامله میکند؛ این چیز خیلی مهمی است. بنده کجا، خدا کجا! آن وقت، خدا معامله میکند! جان ما را با بزرگ‌ترین هدیه‌ای که میتواند به یک انسان داده بشود، یعنی بهشت - بهشت رضای الهی - عوض میکند. بعد هم این جور تصریح میکند که «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، بروند در راه خدا مبارزه کنند، بجنگند، «فَيُقْتَلُونَ وَيُقَاتِلُونَ». مخصوص دوران اسلام هم نیست: وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ؛ (3) در تورات هم همین جور است، در انجیل هم همین جور است. این آیه‌ای که این قاری عزیزمان تلاوت کردند - وَ كَايِّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ (4) - [نشان میدهد که] این قضیه مال همه‌ی انبیا است. یا آن آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ (5) اینها بیانات درباره‌ی شهدا است و درباره‌ی فضیلت شهادت، بیانی بالاتر از اینها وجود ندارد؛ انسان چه بگوید؟

من فقط یک نکته را عرض میکنم و آن، اینکه شهدا همه رتبه‌ی عالی‌ای دارند، منتها رتبه‌ی شهدا یکسان نیست؛ مثلاً شهدای کربلا از همه‌ی شهدا بالاترند؛ درباره‌ی بعضی از شهدا، در کلمات ائمه (علیهم السلام) نقل شده که اینها در روز قیامت، از روی دوش دیگر شهدا عبور میکنند میروند بهشت؛ درباره‌ی بعضی از شهدا گفته شده است که اینها هر یکی‌شان اجر دو شهید دارد، [جرش] مضاعف است. پس شهدا یک جور نیستند؛ ارزش شهید، با تفاوت



هدفها، با تفاوت نحوه‌ی شهادتها، تفاوت پیدا میکند. من می‌خواهم عرض بکنم انواع شهادتی که در انقلاب اسلامی شهید شدند - مجموع شهدا؛ چه آن شهادتی که در حوادث انقلاب شهید شدند، چه آن شهادتی که در دفاع مقدس شهید شدند، چه آن شهادتی که در فتنه‌ها شهید شدند، چه آن شهادتی که در باب امنیت یا سلامت شهید شدند، چه شهادتی که در دفاع از حرم شهید شدند - اینها جزو برترین‌ها هستند، جزو شهدای برتر نزد خداوند متعال محسوب میشوند؛ چرا؟ برای خاطر اینکه اینها از یک جریانی دفاع کردند و در یک حادثه‌ای به شهادت رسیدند که این حادثه در رأس بسیاری از حوادث دوران اسلام و دوران همه‌ی ادیان است؛ و آن چیست؟ آن، حادثه‌ی نجات کشور اسلامی و نجات دنیای اسلام از وابستگی و اضمحلال و ذوب شدن در فرهنگ کفر و فرهنگ استکبار است که این اتفاق در انقلاب اسلامی رخ داد. انقلاب اسلامی، در درجه‌ی اول، ایران را از حل شدن و ذوب شدن و هضم شدن در فرهنگ کفر و استکبار - که همان فرهنگ غربی است - خارج کرد و نجات داد، بعد هم تأثیراتش در دنیای اسلام را شما دارید مشاهده میکنید. ما البته به هیچ کس دستورالعمل نداده‌ایم، [بلکه] تأثیر انقلاب این است. بنده بارها گفته‌ام (6) انقلاب مثل هوای بهاری است، مثل هوای خوش است، نمیشود جلویش را گرفت؛ در هوای لطیف بهاری، هوای خوش و بوی گل از داخل بوستان بیرون می‌آید و در جاهای دیگر پخش میشود، جلویش را نمیشود گرفت. لازم هم نیست که کسی بخواهد آن هوا را صادر کند، [بلکه] به طور طبیعی صادر میشود. امروز شما دارید نشانه‌هایش را در دنیای اسلام مشاهده میکنید.

هضم شدن و حل شدن در فرهنگ کفر و استکبار، قبل از پهلوی‌ها شروع شد، از دوران قاجار شروع شد، شروع کننده هم همین وابستگان دربار و پادشاهان و شاهزاده‌های فاسد و مفت‌خور و تنبل و بیکاره و فاسدالاخلاق بودند؛ اینها فرهنگ غربی را گرفتند و با نفوذی که در جامعه داشتند - یعنی نفوذ مالی و قدرتی و پولی و مانند اینها - بتدریج [آن را] در بین مردم رایج کردند. نوبت به پهلوی‌ها که رسید، به اوج رساندند این فساد را، این بیماری مسری را، برای اینکه بتوانند کشور را به معنای واقعی کلمه به قدرتهای غربی وابسته و آویزان بکنند. انگلیس‌ها از مدتها قبل وارد ایران شده بودند، زمینه‌چینی کرده بودند، کارهایی انجام میدادند، بعد دیدند نمیشود. حالا کسانی که با تاریخ آشنا هستند، میدانند من چه می‌گویم. قرارداد وثوق‌الدوله فروش ایران بود؛ مرحوم مدرس قرص و محکم ایستاد و نگذاشت، دیدند نمیشود، قرارداد را باطل کردند؛ یا قرارداد تنباکو یک جور دیگر، و امثال اینها. دیدند این‌جوری نمیشود، باید مستقیم وارد بشوند؛ مستقیم وارد شدند و رضاخان را که یک روزی جزو قزاقهای محافظ سفارت انگلیس بوده - او را از آنجا می‌شناختند - برداشتند آوردند بزرگش کردند، بلندش کردند، به او قدرت دادند، اطرافش یک تعدادی روشنفکر وابسته را نشانند و کاشتند و این وضعی را که در دوره‌ی رضاخان پیش آمد - ضدیت با دین، ضدیت با اسلام، ضدیت با استقلال، ضدیت با حجاب، ضدیت با مجالس عزاداری، ضدیت با روحانیت - راه انداختند. در دوره‌ی رضاخان یک جور، در دوره‌ی بعد از رضاخان هم یک جور دیگر؛ حرکت این بود.

واقعاً خدا به ملت ایران رحم کرد که این انقلاب رخ داد؛ و الا با آن وضعی که اینها داشتند پیش میرفتند، وضع کشور ما خیلی خیلی بدتر از همه‌ی کشورهای وابسته‌ای که ما می‌شناسیم میشد. انقلاب آمد جلوی این را گرفت؛ انقلاب اسلامی، با یک اقدام قاطع، جلوی این حرکت به سمت سقوط مطلق را گرفت و کشور را نجات داد. مبارزه‌ای که با (7) انقلاب انجام گرفت مبارزه‌ی هویتی بود، مبارزه‌ی موجودیتی بود؛ هویت ملت ایران، موجودیت ملت ایران، تاریخ ملت ایران داشت نابود میشد و جلویش گرفته شد. اینهایی که در این راه کشته شدند، در این راه کشته شده‌اند؛ آنهایی که در انقلاب اسلامی شهید شدند - به هر نوع شهادتی - در این راه شهید شده‌اند، این جور به شهادت رسیده‌اند؛ این چیز کوچکی نیست.

بنابراین، شهدای ما جزو برترین‌ها هستند. ۲۴ هزار شهید در تهران! البته سالها پیش برای [شهدای] استان تهران هم بزرگداشتی گرفته شد، ۳۶ هزار شهید مال استان تهران است و شهدای دیگر جاهای کشور. چه شهدای جنگ



تحمیلی، چه دفاع از حرم و چه بقیه‌ی شهدایی که اسم بردیم، همه جزو برترین شهدا هستند. خون این شهیدان توانست ثبات این انقلاب را تضمین کند. من بارها گفته‌ام که شهیدان، امروز هم ما را در این راه نگه داشته‌اند. یک مقدار که سست شدیم، نام یک شهید، حرکت یک شهید، قیام یک شهید، شهادت یک شهید دوباره ما را سرپا کرد، سرحال کرد. وقتی شهید سلیمانی شهید میشود، ملت را تجدید قوا میکند، انقلاب را دوباره زنده میکند. بنابراین، کاری که شما کردید - بزرگداشت شهدا - کار بزرگی است، کار مهمی است و این بزرگداشتها باید بتواند راهی را که شهدا رفته‌اند هموار کند و تداوم این راه را برای جوانهای ما، برای نسلهای نوبه‌نویی که در میدان حاضر میشوند، تضمین کند.

یک جمله در مورد مسئله‌ی بسیار مهمّ غزه عرض بکنم. مسئولان کشورهای اسلامی گاهی اجتماع میکنند حرفی میزنند، گاهی مصاحبه‌ای میکنند یک چیزی میگویند، [اما] کاری که باید بکنند انجام نمیگیرند. اعلان میکنند که باید آتش‌بس انجام بگیرد؛ خب آتش‌بس دست شما که نیست، آتش‌بس دست آن خبیث است، دست آن دشمن است، و نمیکند. شما می‌نشینید چیزی را تصویب میکنید که در اختیار شما نیست. چیزهایی هست که در اختیار شما است، آنها را تصویب نمیکنید؛ آن چیست؟ قطع شریانهای حیاتی رژیم صهیونیستی؛ این در اختیار شما است. شما میتوانید کمک نکنید، پشتیبانی نکنید، ارتباط سیاسی و اقتصادی را قطع کنید؛ این کارها را میتوانید بکنید. این، آن دشمن را تضعیف خواهد کرد، او را از میدان خارج خواهد کرد؛ این کار دست شما است؛ این را تصویب کنید. متعرض این نمیشوند، یک چیزی را تصویب میکنند که در اختیارشان نیست!

ولی در عین حال، با همه‌ی اینها، همان‌طور که خدای متعال فرموده: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ**؛ (8) خدا با مردم مؤمن است؛ هر جا خدا باشد، پیروزی هست. البته سختی‌ها وجود دارد. خدای متعال درباره‌ی پیغمبر هم میگوید اگر ما تو را زنده نگه داریم یا از دار دنیا ببریم، عاقبت دشمنانت این خواهد شد؛ شرطش زنده ماندن من و شما نیست، اما پیروزی قطعی است. ان‌شاءالله خدای متعال این پیروزی را به همه‌ی امت اسلامی، در آینده‌ی نه چندان دوری، نشان خواهد داد و دلها را خرسند خواهد کرد و ملت فلسطین را و مردم مظلوم غزه را هم در رأس همه‌ی اینها ان‌شاءالله خرسند و خوشحال خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال این دعا را مستجاب کند و ما را در این ماه مبارک رجب، ماه دعا، ماه استغفار، هرچه بیشتر آماده‌ی برای تجلی انوار الهی در دلهایمان قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

1) در ابتدای این دیدار، سردار سرتیپ حسن حسن‌زاده (فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران و دبیر کنگره) گزارشی ارائه کرد.

2) پُر، مملو

3) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی 111؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و میکشند و کشته میشوند. [این] به عنوان وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده‌ی او است...»

4) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی 146؛ «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند...»

5) سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 169؛ «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارش روزی داده میشوند.»

6) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان (5/9/1401)

7) توسط

8) سوره‌ی نحل، آیه‌ی 128؛ «در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند.»